



پاسخ تند به اظهارات رضا کیانیان

چند روز پیش و بعد از درگذشت ناصر طهماسب، رضا کیانیان با انتشار یک استوری نوشته بود که آقای طهماسب واقعاً ارزشش را داشت؟ بعد از این پیام، بازیگران بسیاری به سخنان کیانیان واکنش نشان دادند. حالا روح‌الله سهرابی، مدیرکل اداره نظارت سازمان سینمایی در پستی خطاب به کیانیان نوشته است که آیا تو چنان که می‌نمایی هستی؟ شما چطور آقای بازیگر؟ وقتی بیشترین حضورهای ارگانی و دولتی را در سریال‌ها و سینمایی‌های دولتی داشته‌اید و دستمزدهای نجومی گرفته‌اید، بگویید که ارزشش را داشت؟ سهرابی اما به همین چند سوال کوتاه بسنده نکرد و سعی کرد حمله بیشتری به کیانیان داشته باشد: «خیلی‌ها براساس اعتقادشان رفتار کرده‌اند، پس ارزشش را داشته است. پای وطن، اصول و شهیدایش ایستاده‌اند، پس ارزشش را داشته است. اما شوربختانه شما اعتقادش را هم نداشتید و برای پول و شهرت، تن به رفتاری مغایر با اعتقادات می‌دهی؛ حالا برگرد و گذشته‌ات را مرور کن و کلاه خودت را قاضی و ببین آنچه شما کرده‌اید.»



رد رفع فیلتر گوگل پلی

علی بهاری جهرمی، سخنگوی دولت در نشست خبری خود با بیان اینکه محدودیت یا مسدودسازی در صلاحیت کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه است، گفت وزارت ارتباطات در مواردی از این کارگروه درخواست بازنگری داشته است. به گفته او، وزارت ارتباطات دو مرتبه درخواست رفع فیلتر گوگل پلی را داده است، اما کارگروه در این باره به جمع‌بندی نرسیده است. جهرمی همچنین با اشاره به دستور رئیس جمهور برای بازنگری در فیلترینگ، اظهار داشت: مرکز ملی فضای مجازی اقداماتی در این زمینه انجام داده است که باید هر چه سریع‌تر در دستور کار شورای عالی فضای مجازی قرار گیرد. او رویکرد دولت را افزایش سرعت، کیفیت و آزادی کامل سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی در چارچوب قانون عنوان کرد و گفت: دولت به دنبال ایجاد شرایط بهره‌مندی حداکثری مردم از فضای مجازی در چارچوب قانون است. سخنگوی دولت معتقد است، مردم انتظار دارند زمانی که به حقوق‌شان چه در فضای مجازی، چه حقیقی - تجاوز شود، دولت و حاکمیت بتواند حقوق‌شان را استیفا کند.



بازگشت امتیازات کسر شده

کمیته استیفاف فدراسیون فوتبال، سرانجام آرای خود را نسبت به کسر امتیاز از پرسپولیس و سپاهان اعلام کرد. در این حکم اعلام شده که کسر امتیاز این دو تیم بعد از بررسی‌های بسیار، برمی‌گردد. با این تفصیل، تیم فوتبال سپاهان هم اکنون با ۳۱ امتیاز و یک بازی کمتر نسبت به استقلال ۲۹ امتیازی، صدرنشین شد و پرسپولیس نیز با احتساب این امتیاز، با ۲۶ امتیاز و یک بازی کمتر در جایگاه سوم قرار گرفت. با تغییر جدول لیگ برتر، استقلال به رتبه دوم سقوط کرد و حالا پرسپولیس در صورت پیروزی مقابل نساجی مازندران می‌تواند با ۲۹ امتیاز در کنار استقلال قرار بگیرد و اگر تفاضل گل‌اش را در این مسابقه بهبود ببخشد، حتی می‌تواند جایگاه دوم را تصاحب کند. گفتنی است هنوز حکم شکایت باشگاه‌ها از استقلال تهران صادر نشده و این حکم نیز ۵شنبه به صورت رسمی رسانه‌ای خواهد شد.

گفت و گو با گریگوری باشام نویسنده کتاب اخلاق محیط زیست

صندلی خالی سقراط در کاپ ۲۸



عکس: NPR

یک ویژگی بارز محاورات افلاطون پایان باز بیشتر گفت و گوهاست. به طوری که پیش از هر چیز دیگر این پرسش‌ها هستند که به روش سقراطی تحلیل و گشوده می‌شوند، اما در هر محاوره چنین به نظر می‌رسد که پاسخی نهایی در کار نیست و این مخاطب است که باید پس از مطالعه و تأمل در مورد هر محاوره، پاسخ را از درون خود بیرون بکشد. این نخستین نکته‌ای است که در نگاهی کلی به کتاب اخلاق محیط زیست از گریگوری باشام به ذهن می‌رسد زیرا باشام به سیاق محاوره در هر فصل با طرح برخی پرسش‌ها به پایان می‌رسد که او در طول فصل، ورودی فلسفی به آن‌ها داشته است. اما صادقانه باید گفت، مسئله در مورد محیط زیست خیلی جدی‌تر از این قبیل حرف‌هاست. به راستی که محیط زیست موضوع مبتلا به امروز دنیا است و شاید ما آدم‌های کره‌ی زمین در هیچ چیز به این اندازه با یکدیگر اشتراک نداریم و اگر مصداقی برای فهم این مثل بتوان ارائه کرد که دست‌آخر همگی در یک قایق نشسته‌ایم، همانا محیط زیست بهترین مثال برای فهم چنین وضعیتی است. گریگوری باشام استاد بازنشسته‌ی فلسفه در دانشگاه کینگز کالج پنسیلوانیا است، جایی که برای بیش از دو دهه به تدریس اخلاق محیط زیست مشغول بود. باشام؛ مولف و ویراستار علمی بیش از ۱۳ اثر است و پرسش‌های مصاحبه از سیر فصول کتاب وام گرفته شده است. آن چه پیش رو دارید، مصاحبه با او درباره کتاب اخیرش و دیگر مسائل محیط زیست است که از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده شده است.



تحصیلات شمار روی اخلاق‌شناسی، دین و فلسفه متمرکز بوده است. آیا امکان دارد برای ما از مسیری سخن بگویید که شما را به سوی محیط زیست و مباحث محیط‌زیستی سوق داد؟ در واقع آیا شما این مسیر را براساس یکسری علائق و دغدغه‌های شخصی طی کردید یا یکسری دغدغه‌های کلی و جهانی را مدنظر قرار دادید؟

نخست اجازه بدهید بگویم که چقدر خوشحالم با شما صحبت می‌کنم و تا چه اندازه مفتخرم که کتابم به فارسی ترجمه شده است و شما آن را مطالعه کردید و موضوع بحث قرار دادید. اما از دیگر سو، متأسفم که شما را در

چنین نقطه‌ی تاریک و غم‌انگیزی از تاریخ - چه از نظر سیاسی، چه از نظر زیست‌محیطی - ملاقات می‌کنم. نژاد بشر دچار جنون شده و البته تاریخ در ادواری شاهد چنین جنون‌هایی بوده است. زمانی که تنش‌ی رخ می‌دهد، انسان‌ها با یک خشم، ترس، و تنفر و خشونت قبیله‌ای به وقایع و محیط خود واکنش نشان می‌دهند و متأسفانه اکنون ما در چنین دوره‌ای بهسر می‌بریم؛ در این میان انسان‌هایی که حسن نیت دارند، باید با دلسوزی، عقلانیت و یک عزم راسخ و نامیرا برای ساختن جهانی بهتر گام بردارند.

شما در مورد شکل‌گیری علاقه‌ی من به اخلاق‌شناسی محیط‌زیست پرسیدید، باتوجه به این که تحصیلات و علائق پژوهشی من در حوزه‌ی دین، اخلاق‌شناسی و فلسفه بوده است. نظریه‌ی حقوقی و فلسفه‌ی قانون را نیز موضوع رساله دکترایم قرار دادم. علاقه‌ی من به مسائل زیست‌محیطی به کودکی و جوانی‌ام بازمی‌گردد. مادر من استاد ادبیات انگلیسی بودند. من در خانه‌ای بزرگ شدم که پر از کتاب بود و زمانی که دانش‌آموز بودم، نویسندگان مورد علاقه‌ام؛ هنری دیوید تارو (نویسنده‌ی والدن)، ویلیام وردزورث، شاعر رمانتیک قرن نوزدهم انگلستان، سپس در مقاطع بعدی از زندگی؛ جی آر آ تالکین، نویسنده‌ی رمان‌های «ارباب حلقه‌ها» بوده‌اند. هر سه‌ی این نویسندگان بسیار طرفدار طبیعت و بسیار بر ضد تمدن صنعتی هستند. بنابراین من از سنین کودکی طبیعت را دوست داشتم (به‌ویژه جنگل‌های انبوه تارک) و البته حیوانات وحشی را و همیشه باور داشتم؛ همان طور که پاپ فرانسس گفته، قرار نبوده است بشر در آهن، شیشه، پلاستیک و سیمان غوطه‌ور شود.

پس از اخذ درجه‌ی دکترا، به کار تدریس در دانشگاهی مشغول شدم که در منطقه‌ای از پنسیلوانیا (حدود ۹۰

مایلی غرب نیویورک) قرار داشت که بسیار زیبا و جنگلی بود، اما متأسفانه بخش‌هایی از آن به‌شدت در اثر استخراج زغال‌سنگ آسیب دیده بود. باورم این بود که درسی با عنوان فلسفه‌ی محیط‌زیست می‌تواند برای دانشجویان من مفید باشد و از آن لذت ببرند؛ در واقع می‌تواند تاثیر خوبی روی زندگی آن‌ها داشته باشد. بنابراین در اواسط دهه ۹۰، واحدی را با عنوان اخلاق محیط‌زیست تعریف کردم و به تدریس آن پرداختم. بخش اعظم کتاب حاضر، البته با برخی تغییرات و افزودن مطالب جدید به آن، نتیجه‌ی مباحثی است که من سر کلاس طی سالیان متعدد داشتم.

شما در کتاب از سه رویکرد اصلی در فلسفه‌ی اخلاق سخن می‌گویید که کاملاً جاقفاده و شناخته‌شده هستند. از سوی دیگر، کتاب شما در مورد محیط‌زیست است که حیات و جانداران اصلی‌ترین مولفه‌هایش هستند. به نظر شما بهتر نبود که موضوع اخلاق محیط‌زیست را از منظر رویکردی بررسی می‌کردید که از دل زیست‌شناسی و فلسفه‌اش سربرآورده است؟ منظورم اخلاق تکاملی است.

کتاب با یک نظریه‌ی اخلاقی آغاز می‌شود که ممکن است کمی خشک و انتزاعی به نظر برسد. اما در نظر داشته باشید که مباحث متأخر کتاب، آشنایی با یک یا چند نظریه‌ی غالب در حوزه‌ی اخلاق را پیش‌فرض می‌گیرد. بنابراین فکر کردم که معرفی آن مهم است. اما در واقع من هوادار دواتشه‌ی نظریه‌های اخلاقی نیستم و گمان می‌کنم وقتی پای اخلاق و ارزش‌ها در میان است، مغز و احساسات ما هوشمندانه‌تر از نظریه‌های مان عمل می‌کنند. ما برای این که بدانیم چگونه فوتبال بازی کنیم یا چگونه دوست خوبی باشیم، نیاز به نظریه‌های اخلاقی نداریم. زیرا نظریه‌ها ما را گیج می‌کنند یا باعث می‌شوند به‌شکلی وسواس‌گونه به یک مسئله بیاوریم. اما نباید فراموش کرد که نظریه‌ها چارچوب فکری و واژگانی را به ما می‌دهند که برای سازمان‌دهی به افکارمان نیاز داریم و این‌جا است که ارزش واقعی آن‌ها مشخص می‌شود.

اما در مورد اخلاقی تکاملی و رویکرد زیست‌شناختی به حوزه‌ی اخلاق، من معتقدم که باید مراقب بود. زیست‌شناسی تکاملی اغلب به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه برخی غرایز اخلاقی و دستگانه‌های ارزشی در انسان شکل گرفته است. این که چرا تقریباً تمام رمزهای اخلاقی، زنی با محارم را ممنوع کرده‌اند و انسان‌ها را در دفاع از منافع قوم و خویش خود مجاز شمرده‌اند؛ در حالی که فرض بر این است، حیات و منافع تمام انسان‌ها ارزش یکسانی دارند. همچنین شما می‌توانید یک داستان تکاملی کاملاً قانع‌کننده تعریف کنید از این که این خصلت‌ها چگونه شکل گرفته‌اند و چرا تا به امروز دوام آورده‌اند. اما همه چیز درباره‌ی اخلاق را نمی‌توان در چارچوب ژن‌های خودخواه و زیست‌شناسی تکاملی تبیین کرد؛ مگر این که فرض کنیم تمام فرهنگ‌ها از ارزش‌های یکسانی برخوردارند یا مثلاً دو فرزند دوقلو که ژن‌های شبیه هم دارند، از نظر اخلاقی هم کاملاً به هم شباهت دارند؛ که مشخصاً این‌طور نیست. اما احتمالاً زیست‌شناسی می‌تواند چیزهای بیشتری از آن چه مردم تصور می‌کنند، در مورد اخلاق بگوید. در آن صورت، بسیار جالب و مهم خواهد بود.

اما تبیین این که چرا مردم از واکنش‌ها و ارزش‌های اخلاقی برخوردارند، بسیار متفاوت از آن است که یکسری دلایل را برشمردیم که چرا انسان‌ها «باید» از یکسری ارزش‌ها برخوردار باشند (اخلاق‌های هنجاری)؛ و این آن چیزی است که علم اخلاق از آن سخن می‌گوید و زیست‌شناسی تکاملی در این زمینه خوب عمل نکرده است. زیست‌شناسی یک علم است و علم به ما نمی‌گوید که چه چیزی خوب است یا بد، درست است یا غلط. شما می‌توانید کمی ارزش علم‌بنیان به زیست‌شناسی تکاملی بیفزایید و بگویید که زیست‌شناسی به ما یاد می‌دهد که چیزی که درست و اخلاقی است، هر آن چیزی است که به شما و ژن‌های شما کمک می‌کند، در نزاع اجتماعی و طبیعی، برای «بودن» پیروز شوید. اما این امر یک جور خودخواهی غیراخلاقی است نه اخلاقی. علم با برخی واقعیت‌های قابل مشاهده و نه ارزش‌ها، سروکار دارد. بنابراین از نظر من، اخلاق تکاملی به‌شدت گیج‌کننده و البته خطرناک است. ما واقعاً به دنیایی متشکل از ژن‌پراکن‌های خودخواه نیاز نداریم که هیچ قطب‌نمای اخلاقی‌ای ندارند.

در جایی از کتاب از رابطه‌ی دین و محیط‌زیست سخن می‌گویید. اگر این دو گزاره را در نظر بگیریم که ۱- جوامع در روند تاریخی خود دین‌زدا تر و یا دست‌کم، غیرجزمی‌تر شده‌اند و ۲- بشر به سرعت در حال تخریب محیط‌زیست است. آیا بین گزاره یک و دو می‌توان یک رابطه‌ی علی و معلولی برقرار کرد؟ یا این همبستگی بیشتر محصول یک تصادف یا یک جبر تاریخی است؟

پاسخ به این سوال کمی مشکل است. نمی‌توانیم درباره‌ی این که چرا انسان با پشتکار فراوان در حال تخریب محیط‌زیست است، حکم کلی صادر کنیم. چون بی‌شک دلایل بسیاری در کار است، دین هم می‌تواند جزو آن‌ها باشد اما احتمالاً مهم‌ترین آن‌ها نیست. روسیه، ژاپن،